



شاید سؤال صحیح‌تر از عملکرد متولیان شورای زنان این باشد که چرا اکثرأ سراغ اظهارنظرهای سلبی رفته‌اند و کمتر از نظر ایجابی به کمک زنان آمده‌اند؟ آیا این روند، چهره این شورا را اینطور به تصویر نمی‌کشد که در عملکردش، کمتر زنان را در نظر می‌گیرد و بیشتر به دنبال بهره‌برداری سیاسی و برخورد با عقاید مخالف خود در سیاست است؟

بررسی عملکرد شورای زنان و خانواده شورای فرهنگی اجتماعی زنان به مناسبت تغییرات ساختاری آن

زنان برای زنان یا زنان برای سیاست؟

نعمیه موحد
خبرنگار

شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از سه نهاد اصلی متولی امور زنان و خانواده همواره مورد توجه بوده است. به تازگی خبری مبنی بر تغییر ساختار شورا و تبدیل آن به ستادهای تخصصی منتشر شده است که ستاد زنان یکی از آنان است. همچنین دکتر سیده فاطمه محبی به عنوان سرپرست این ستاد انتخاب شد. در این یادداشت قصد داریم به بررسی عملکرد ادوار گذشته این مجموعه بپردازیم. بدون شک بررسی تمامی جزئیات فعالیت شورا در یادداشتی محدود نمی‌گنجد و بنای مادر این جابجایی دیدگاه عموم مردم و تصویری است که در رسانه‌ها از فعالیت سال‌های اخیر آن دیده می‌شود.



که جامعه ایرانی را سخت متأثر کرده بود، علت وقوع این قتل هولناک را اجرای آموزش‌های سند ۲۰۳۰ در کشور و فضای مجازی دانست. اظهارنظری که چندی بعد مجبور به حذف آن از فضای مجازی شد.

آنچه درباره شورای زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک ضعف دیده می‌شود عدم به کارگیری همت و توجه در موضوعات و مشکلات مبتلابه زنان ایرانی و پرداختن به حواشی است. اگر غربالگری در کشور موجب سقط جنین بی دلیل می‌شود باید منبع این تشخیص‌های نادرست پیدا شود نه آنکه به طور کلی حذف شود و یا اگر صحبت از خشونت علیه زنان، احکام زیست زن و مرد در جامعه اسلامی را زیر سؤال می‌برد، یافتن راهی برای تأمین امنیت و کرامت زن طبق اصول اسلامی در جامعه راه حل است. نه منکر اصل پدیده خشونت علیه زنان شدن و نسبت دادن آن به دخالت‌های غربی و غیراسلامی.

چندسال قبل، تعدادی از همسران شهدا در فضای مجازی از وضعیت حضانت فرزندان خود بعد از شهادت همسرشان و مشکلاتی که در این زمینه در تعارض با حضانت و ولایت جد پدری دارند، سخن گفتند. پیگیری این گلایه منجر به اتفاقات خوبی در حوزه حضانت کودک برای مادر شد و بسیاری از موانعی که در این راه پیش پای مادران بود، قوانینی خودساخته و بدون ضمانت اجرایی معرفی شد؛ اتفاقی که تا حد زیادی جامعه را نسبت به این مسائل روشن و آگاه کرد. اما آیا واقعا لازم بود این گلایه از طرف همسران شهدا باشد تا جدی گرفته شود؟ و چرا گلایه‌های قبلی در این باره جدی نگرفته نشد؟ چرا حتی با وجود ورود برخی همسران شهدا به این موضوع، باز هم شورای زنان فعالیتی در این زمینه، که به درستی کمک به بهبود وضعیت زنان در انجام مسئولیت‌های مادرانه بود، نکرد؟

شاید سؤال صحیح‌تر از عملکرد متولیان شورای زنان این باشد که چرا اکثرأ سراغ اظهارنظرهای سلبی رفته‌اند و کمتر از نظر ایجابی به کمک زنان آمده‌اند؟ آیا این روند، چهره این شورا را اینطور به تصویر نمی‌کشد که در عملکردش، کمتر زنان را در نظر می‌گیرد و بیشتر به دنبال بهره‌برداری سیاسی و برخورد با عقاید مخالف خود در سیاست است؟ اوایل مهرماه سال جاری حجت الاسلام عبدالحمید خسروی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با صدور حکمی، ضمن تشکر از زحمات و تلاش‌های کبری خزعلی؛ سیده فاطمه محبی را به عنوان سرپرست ستاد خانواده و زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب کرد. حالا باید دید در دوره خانم محبی آیا قرار است عملکرد این شورا به سمت تأمین مطالبات زنانه در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی برود و یا باز هم قرار است زنان و مطالبات‌شان دستاویزی برای قدرت‌نمایی سیاسی باشد؟



در سایت رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی وظایف این شورا در سه حوزه سیاستگذاری، تدوین ضوابط و نظارت تعریف شده و اهم کار این مجموعه توجه به موضوعات «فرهنگی» عنوان شده است.

داستان شکل‌گیری این شورا به زمان انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها بازمی‌گردد؛ جایی که نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسید که برای تحول فرهنگی پس از دوره پهلوی، باید مدتی دانشگاه‌ها را تعطیل و نهادهایی برای سروسامان دادن به وضعیت فرهنگی جامعه تأسیس کند. یکی از این نهادها که بعد از بازگشایی دانشگاه نیز کار خود را ادامه داد، ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیبی جدید بود که تحت عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت خود را آغاز کرد. این شورا در سال ۱۳۶۷ صاحب شاخه جدیدی به نام شورای زنان شد که در سال‌های اخیر نقش قابل توجهی در موضوعات فرهنگی و زنان ایفا کرده و البته بدون حاشیه نیز نبوده است. حاشیه‌هایی که بیشتر به رؤسای آن مربوط می‌شود که به طور ثابت در بازه‌های زمانی مختلف ریاست شورا را به عهده گرفته‌اند.

اگر بخواهیم نگاهی به دو دوره گذشته این شورا ببینیم باید به سال ۱۳۹۵ برگردیم؛ جایی که زهرآریت الهی به عنوان رئیس شورای زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب شد. عمده فعالیت ایشان در زمان ریاست خود به مخالفت با طرح‌های مجلس و یا معاونت وقت امور زنان و خانواده رئیس جمهور به ریاست خانم مولودی، گذشته است. به عنوان مثال آیت‌اللهی بارها «لایحه منع خشونت علیه زنان» را تهدید کیان خانواده و یا جایگاه مردان در خانواده دانست و علیه آن سخنرانی کرد. این نکته که برخی مفاد لایحه نخستین در زمان دولت دوازدهم با عرف و شرع اسلامی فاصله داشت قابل انکار نیست اما آن هوشمندی که هیچ‌وقت از شورای زنان دیده نشد، ارائه پیشنهادی جایگزین و پاک نکردن صورت مسئله وجود خشونت علیه زنان در جامعه ایرانی بود. اتفاقی که در مجلس فعلی افتاد و این لایحه با تغییرات زیادی هم عرف و جامعه ایرانی را لحاظ کرد و هم چتری حمایتی بر سر زنانی که در معرض آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی بودند گستراند.

این دست افراط‌ها به صورت حتی شدیدتر در دوره بعد و در ریاست کبری خزعلی بر این شورا نیز وجود داشت. خزعلی اکثر تلاش‌ها در حوزه زنان را از دید سند ۲۰۳۰ و توطئه‌ای در جهت اجرای آن در کشور می‌دید. متأسفانه به نظر می‌رسید که مشاوران نادرستی اطراف زنان متولی شورا قرار گرفته‌اند؛ چرا که اظهارنظرهایی همچون نبود غربالگری جنین در کشورهای دیگر و یا آمارهایی با اعداد عجیب و غریب درباره سقط غیرقانونی در کشور نشان از اطلاعات نادرست این افراد می‌داد. خزعلی حتی در ماجرای قتل رومینا اشرفی توسط پدرش

الگوی زن هستند. رهبر انقلاب نیز بارها این نگاه لذت‌جویانه و بر مبنای سود اقتصادی راز و ضربه‌های اساسی غرب به زن خواندند و اظهار داشتند: «این ماجرا واقعا غم‌انگیز است، نظام سرمایه‌داری با استفاده از انواع روش‌ها، زن را قانع می‌کند که منفعت و ارزش او در رفتاری است که جذابیت‌های جنسی‌اش را برای مردان کوچک و خیابان، برجسته‌تر و بیشتر کند و این، بزرگترین ضربه به حیثیت و جایگاه زن است.»

بنابراین با توجه به الگوی منحط زن غربی معاصر برای جهانیان و نیاز فطری انسان به تقلید و اسوه‌پذیری، لازم است تا زمینه شناخت و معرفی الگوها و مربی شایسته با مبنای اسلامی فراهم شود. قطعاً در این برهه زمانی، جنگ غزه می‌تواند زمینه‌ای از سمت بانوان مسلمان ایجاد نماید تا بانوان فلسطینی را به عنوان کنشگران مؤثر در حمایت از محور مقاومت، به عنوان اسوه‌هایی قابل تقلید به جامعه جهانی معرفی نمایند؛ زنانی که طی صد سال اخیر با الهام از انگیزه‌های اسلامی علاوه بر نقش تربیتی مؤثر در خانواده، با ورود به عرصه‌های جهاد و مبارزه، تسلیم وضع موجود نشده‌اند و این زنان تمدن‌ساز را با ارائه طرح برتر الگوی زنان در نظام بین‌الملل و ارائه شاخص‌های نوین جهت ارزیابی کرامت و منزلت زنان معرفی کرد. همچنین این اقدام مهم و تأثیرگذار می‌تواند از طریق شبکه‌سازی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بانوان اندیشمند جهان اسلام و فعال کردن نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت بهره‌برداری از حوادث کنونی غزه، با هدف معرفی برتر از الگوی زن مسلمان صورت پذیرد.

عرصه مشارکت سیاسی با تأسیس اتحادیه‌ها، برگزاری کنفرانس و حتی تحصن اعتراضی، به مبارزه پرداختند. یکی از بزرگ‌ترین تجمعات بانوان در سال ۱۹۷۷ و بعد از امضای قرارداد کمپ دیوید در شهرهای رام‌الله و نوار غزه شکل گرفت؛ اعتصاب و شهادت تعداد زیادی از بانوان نیز ثمره اعتراض به کشتار اردوگاه‌های صبرا و شتیلا بود. آغاز انتفاضة اول زمینی را مهیا ساخت تا مظلومیت و درعین حال مقاومت زنان در روند مبارزه برجسته و آشکار گردد. علاوه بر ۷ دهه فعالیت بانوان فلسطینی که نماد مقاومت و مظلومیت است، امروز نیز شاهد کنش مؤثر و تعیین‌کننده بانوان در عملیات طوفان الاقصی هستیم؛ از تربیت فرزندان که این روزها سربازان محور مقاومت در حماس و فتح هستند تا مشارکت فعال سیاسی و اجتماعی که موجب تمایز نقش زنان فلسطینی نسبت به دیگر هم‌تایان عرب شده است. بنابراین با توجه به این جایگاه شایسته، ضروری است تا با ابتکار عمل علاوه بر انعکاس مظلومیت بانوان فلسطینی در عرصه بین‌الملل، با تبیین شاخصه‌های تأثیرگذار این بانوان در خانواده و جامعه، ضمن تصویرسازی مثبت از بانوی مسلمان، بتوانیم ارائه الگویی کامل را برای زنان در جهان داشته باشیم؛ چرا که الگوی زن غربی در فرایند جهانی‌سازی به دلیل عدم تکامل‌گرایی دچار انزوا و اسارت شده است. تمام معیارها به جایگاه و حقوق زنان در غرب طبق اصالت سود منطبق است. یعنی الگوی حضور اجتماعی پیش‌روی زن غربی بر اساس کسب سود و استفاده از زنان به عنوان ابزار است و با این مبنای در پی اختلال در ادراکات معرفتی جامعه و تغییر در



شورای عالی انقلاب فرهنگی
شورای فرهنگی اجتماعی زنان



آن هوشمندی که هیچ‌وقت از شورای زنان دیده نشد، ارائه پیشنهادی جایگزین و پاک نکردن صورت مسئله وجود خشونت علیه زنان در جامعه ایرانی بود. اتفاقی که در مجلس فعلی افتاد و این لایحه با تغییرات زیادی هم عرف و جامعه ایرانی را لحاظ کرد و هم چتری حمایتی بر سر زنانی که در معرض آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی بودند گستراند

نقطه عطف شکل‌گیری نیروی زنان مبارز فلسطینی را نه در سال ۱۹۴۸، بلکه پیش‌تر از زمان قیمومت بریتانیا باید جست‌وجو کرد. آن هنگام که هیأتی ۱۴ نفره از زنان فلسطینی در ملاقات با نماینده اعظم انگلیس شجاعانه خواستار لغو بیانیه بالفور و توقف تجاوز به فلسطین شدند

